

الجامع لصفات اشات النبات

(جامع شتات النبات و ضروب انواع المفردات من الاشجار و الاثمار و الحشائش)

تأليف

ابوعبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادريس حسيني تميمي متطبب
(درگذشته ۵۶۰ هـ.ق.)

(نسخه برگردان بر اساس دستنویس کتابخانه سنای سابق، ش ۱۴۲۲)

به اهتمام

دکتر یوسف بیگ باباپور

سرشناسه	: ادریسی، محمد بن محمد، ۲۹۲ - ۵۶۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: الجامع لصفات اشبات النبات (جامع شبات النبات و صروب انواع المفردات من الاشجار و الاتمار و الحشائش)
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۵۳۹ ص.
فروست	: نسخه برگردان: ۹.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۸۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیکای مختصر
یادداشت	: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شناسه افزوده	: بیگ بابایور، یوسف، ۱۲۵۷ -، گردآورنده
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۵۲۱۹۰



انتشارات مشور سمر

الجامع لصفات اشبات النبات

(جامع شبات النبات و صروب انواع المفردات من الاشجار و الاتمار و الحشائش)

تألیف: ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریس حسینی تمیمی متطبب

(نسخه برگردان بر اساس دستنویس کتابخانه سنای سابق، ش ۱۴۲۲)

از مجموعه: نسخه برگردان / ۹

به اهتمام: دکتر یوسف بیگ بابایور

نوبت چاپ: اول - ۹۴

طراح و صفحه آرا: محمدمهدی شعبانی

شمارگان: ۵۰

بها: رنگی ۱۵۰۰۰۰۰ ریال / سیاه و سفید ۵۰۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۸۰-۷

حق چاپ: ۱۳۹۴، انتشارات منشور سمر www.manshoorsamir.ir تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹ - ۰۲۱-۶۵۵۲۶۹۵۷

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

یادداشت

ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریسی از خاندان ادریسیان علوی بود که روزگار حقی را که در خلافت داشتند طلب می کردند. به همین جهت مؤلف به عنوان شریف ادریسی شهره شد. بنیانگذار دولت ادریسیان، ادريس اول، از مشرق به مراکش گریخت و در نواحی سبتة به سال ۱۷۲ هـ.ق. امارتی مستقل بنیاد کرد و از پس وفات، به سال ۱۷۷ هـ.ق. به عنوان یکی از اولیای شهره شد که هنوز هم این شهرت در افریقا به جاست. بنیاد شهر فاس با نام فرزند وی ادريس دوم (۱۷۷-۲۱۳ هـ.ق.) پیوسته است. دولت ادریسیان تا به سال ۳۷۵ هـ.ق. بیشتر نپایید. اجداد ادریسی امیران کوچک مالقه (مالاگا) بودند و آنان نیز نتوانستند قدرت خود را مدتی دراز حفظ کنند و ناچار به قرن پنجم هجری به سبتة رفتند و گویا ادریسی به سال ۴۹۳ هـ.ق. در آنجا متولد شد.

ظاهراً رابطه خاندان وی با اندلس برقرار شد و ادریسی به قرطبه که یک مرکز بزرگ فرهنگی بود، علم آموخت. وی این شهر را خوب می شناخت و گزارش عمومی که از آن آورده، نمودار معرفت بی واسطه اوست.

ادریسی از سن نوجوانی سفر آغاز کرد و به جاهایی رفت که در آن روزگار مرسوم نبود. اطلاعات وسیع وی از اسپانیا و مراکش عجب نیست، ولی دو موارد

مختلف کتابش معلوم می‌شود که لیسبون، سواحل فرانسه، و بلکه انگلستان را نیز دیده است. به سال ۵۱۰ هـ.ق. که هنوز از شانزده سالگی نگذشته بود، به آسیای صغیر رفت. همه نکات معلوم درباره سفرهای وی همین است. ظاهراً بقیه افریقا و آسیا را ندیده است. وی به سال ۱۱۳۸ م. به وضعی که کاملاً روشن نیست، از دریا گذشت و به جزیره سیسیل رفت که دربار روژه دوم، آنجا در پالرمو بود و تا هنگام مرگ روژه به سال ۱۱۵۴ م. با وی به دوران جانشین روژه زندگی وی دستخوش آشفتنگی شد. ولی ظاهراً در ایام پیری به سبته، مولد خود، بازگشت و در آنجا به گفته مرجع به سال ۵۶۰ هـ.ق. (۱۱۶۰ م.) درگذشت.

پرونیق‌ترین دوران زندگی ادریسی در شهر پالرمو گذشت. کتاب بزرگ وی، *نزه المشتاق فی اختراق الآفاق*، نیز آنجا به وجود آمد. اندیشه کتاب به دوران شکوه تمدن سیسیل در حکومت نورمان‌ها مایه گرفت و به همت روژه دوم وجود یافت. این مطالب را خود وی در مقدمه کتاب ضمن سخن از نقش پادشاه نورمان در این کار و این که اندیشه کتاب جغرافیا چگونه و در چه شرایطی صورت عمل گرفته، با عباراتی زنده بیان می‌کند و از پس تمجید و لینعت خود گوید:

«یکی از معارف والا و تمایلات شریف و عالی وی آن که چون قلمرو ملکش وسعت گرفت و همت اهل دولتش فزون شد و بلاد روم اطاعت او کرد و مردمش زیر فرمان و قدرت وی درآمدند، خواست تا کیفیت بلاد خویش را از روی حقیقت و یقین و بصیرت بشناسد و حدود و راه‌های آن را به خشکی و دریا بداند که در کدام اقلیم است و دریاها و خلیج‌های خاص آن چیست. دیگر بلاد هفت اقلیم را نیز که گویندگان بر آن اتفاق دارند و راویان و مؤلفان به دفترها آورده‌اند، بشناسد و بداند که هر یک در کدام اقلیم است. از جست و جوی کتاب‌ها که در این فن

تألیف کرده‌اند، چون کتاب *العجائب* مسعودی و کتاب ابونصر جیهانی و کتاب ابوالقاسم عبدالله بن خردادبه و کتاب احمد بن عمرو عذری و کتاب ابوالقاسم محمد حوقلی بغدادی و کتاب چاناخ بن خاقان کمیایکی و کتاب موسی بن قاسم قردی و کتاب احمد بن یعقوب معروف به یعقوبی و کتاب اسحاق بن حسن منجم و کتاب قدامة بصری و کتاب بطلمیوس قلوذی و کتاب ارسئوس انطاکی، مطالب را مشروح و کامل و مفصل نیافت، بلکه در آنها مسامحه دیده بود، پس دانندگان این مسایل را بخواست و با آنها به گفت و گو پرداخت. آنان نیز اطلاعاتی بیش از آن چه در کتاب‌های مذکور هست، نداشتند و چون این حال را بدید، کس به سایر بلاد خویش فرستاد و دانندگان سفر کرده را بخواست و مطالب را از آنها جمعاً و فرداً پیرسید و هر چه را مورد اتفاق بود، ثبت کرد و نگاه داشت و هر چه را مورد اختلاف بود، ندیده گرفت و پانزده سال بدین گونه به سر برد که هیچ گاه از نظر در این فن و کشف مسایل و جست و جوی حقیقت آن بازماند، تا آن چه خواست انجام شد. آن گاه اراده کرد تا صحت گفتار قوم را درباره طول و عرض بلاد از روی یقین بداند. پس لوح نقشه‌ای به حضور وی آوردند و اجزای آن را با مقیاس آهنین امتحان کردن گرفت و در کتاب‌های مذکور نظر کرد و گفتار مؤلفان را مقایسه کرد و در جمع آن بنگریست تا از حقیقت مندرجات آن آگاه شد. آن گاه بفرمود تا دایزه‌ای ضخیم و بزرگ از نقره خالص برای او بسازند به وزن چهارصد رطل رومی که هر رطل صد و دوازده درم است، و چون آماده شد، بفرمود تا صورت هفت اقلیم را با همه بلاد و اقطار و ساحل و جلگه و خلیج‌ها و دریاها و مسیر آب‌ها و

جای رودها و جاهای آباد و بایر و راه‌ها که میان بلاد هست و مسافت‌ها و بندرهای معروف بر آن نقش کنند مطابق آن چه در لوح نقشه هست، و چیزی را رها نکنند و همه چیز را به شکل و هیئت آن، چنان که رسم شده، بیازند و کتابی تألیف کنند مطابق اشکال آن همراه وصف احوال بلاد و زمین از مردم و نواحی و اماکن و دریاها و کوه‌ها و رودها و بایر و مزروع با ذکر محصولات و خواص و موارد استعمال و مصنوعات آن و کالاهایی که سوی آن برند یا از آنجا آرند و عجایی که از آن یاد کنند و جای آن که در کدام اقلیم است با ذکر احوال مردم و هیئت و اخلاق و مذهب و زینت و زبانشان و کتاب مذکور را نزه‌المشتاق فی اختراق الآفاق نام کنند، و این در دههٔ اول ژانویه مطابق ماه شوال سال پانصد و چهل و هشت بود و فرمان وی اجرا و نقشه آماده شد.

با صرف نظر از عبارت پردازی‌های مقدمه، دلیلی نیست که در صحت مطالب آن تردید کنیم، البته غربی از فعالیت روزه در زمینهٔ جغرافیا چیزی نمی‌گوید، ولی گفتار ادریسی، بخصوص با توجه به وضع زندگی فرهنگی سیسیل در آن روزگار، از همهٔ نشانه‌های صحت بهره‌ور است؛ و نیز دلیلی نداریم که دربارهٔ تاریخ ختم کتاب یعنی ژانویهٔ ۱۱۵۴ م. که چند هفته پیش از وفات روزه بود، تردید داشته باشیم. مسلم است که پادشاه نورمانی در روزهای اخیر مبتلا به مرضی سخت بود که امید شفای آن نمی‌رفت. شاید آثار شتابزدگی که در بعضی از موارد کتاب نزه‌المشتاق ادریسی و بخصوص در قسمت دوم نمودار است، از این جهت بوده که شاه می‌خواسته پیش از مرگ کتابی را که اندیشهٔ تألیف آن از او بوده است، ببیند.

درباره نقش ادیسی در تألیف کتاب نزهة المشتاق، در نسخه‌های مختلف آن مختصر تناقضی هست؛ شاید از این رو که مؤلف رونویسی‌های مکرر از کتاب به جا نهاده، زیرا همه جا از او با ضمیر غایب سخن می‌رود، ولی غالباً عنوان کتاب را به او نسبت می‌دهند نه روزه، و به هر حال تردید نیست که مؤلف کتاب اوست. اهمیت این کتاب تا جایی است که بزرگترین جغرافی دانان تمدن اسلامی، از جمله صفدی (متوفی ۷۶۴ ه.ق.) و دیگران از آن بهره برده و صراحتاً از آن یاد کرده‌اند.

ناگفته نماند که روزه که در حد فاصل میان دو تمدن جهانی آن روزگار به سر می‌برد، هر دو تمدن را نیک می‌شناخت و این که یک دانشور عرب زبان را به فراهم آوردن وصف جهان آن روز واداشت، نشانی آشکار از برتری تمدن عربی آن روزگار است که به نزد همگان مسلم بود. درباره نورمانی سیسیل نیمه شرقی بود، که بیشتر منابع مختلف و از جمله اشعار عربی که به دوران روزه در سیسیل خوانده می‌شود، شاهد این سخن است؛ و نیز معلوم می‌دارد که تنها ادیسی ستایشگر روزه نبود. علاقه روزه به این که نقشه جهان را خاص او مهیا کنند، یک نمایل شرقی صرف است.

از مقدمه ادیسی معلوم می‌شود که کار کتاب نزهة المشتاق در سه مرحله انجام شده که سه نسخه داشته است: نخست نمونه‌ای بی نظیر از کرة آسمانی به صورت قُرصی از نقره که نقشه جهان بر آن رسم شده بود؛ دوم نقشه‌هایی بر روی کرباس؛ و سوم کتابی که نام آن نزهة المشتاق شد. گفته شده که کرة نقره‌ای در مقابل حوادث از همه بی‌دوام‌تر بوده است؛ زیرا وقتی شورشیان به دوران جانشینی روزه در سال ۱۱۶۰ ق. به قصر ریختند، آن را در هم شکستند و به غارت بردند. خوشبختانه نسخه‌های مکرر از کتاب و نقشه به جاست، ولی مسلماً از دوران مؤلف نیست و غالباً ناقص و رونویسی‌ها نیز باهم اختلاف دارند.

اول کسی که به تحقیق درباره نزهه المشتاق پرداخته، زیبولت بود که در نوشته‌های علمی اروپایی از آن نام برد؛ از آن پس میلر و تولیو مدتی به تحقیق آن پرداخته و بعضی دیگر از دانشوران شوروی سابق چون ولین و پترونی به آن‌ها پیوستند. متن کتاب به سال ۱۵۹۲م. در رم در چاپخانه معروف مدیچی با عنوان دراز *نزهه المشتاق فی ذکر الأمصار والأقطار والبلدان و الجزر والمداائن والآفاق* به چاپ رسیده است. این چاپ بسیار نایاب است و یکی از قدیمی‌ترین چاپ‌هاست که در اروپا با حروف عربی انجام گرفته، اما از نظر علمی اشکالاتی دارد و تصحیح خوبی روی آن انجام نگرفته است. خلاصه ناقصی از آن در نابلس فلسطین به سال ۱۵۳۸م. (۹۴۴ق.) انجام شد و نسخه‌ای از آن در پاریس موجود است؛ اما یقیناً این خلاصه غیر از، انس المهج، کتاب ماست؛ زیرا چنان که خواهیم گفت انس المهج کار خود ادیسی است نه کس دیگر. ترجمه لاتینی نزهه المشتاق که به سال ۱۶۱۹م. در پاریس به وسیله دو دانشور مارونی، یوحنا خسرونی و جبریل صهیونی، معلمان لغات شرقی، انجام گرفته، فقط ارزش تاریخی دارد؛ عنوان این ترجمه *جغرافیای نوبه‌ای* است و همین عنوان خطایی در اروپا راجع به این کتاب به وجود آورد که تا دو قرن در محافل علمی فکر می‌کردند که نام مؤلف آن «نوبه» است؛ زیرا در جایی که از نیل و عبور آن از سرزمین نوبه سخن می‌رود، «ارضها» (سرزمین آن) را به اشتباه «ارضنا» (سرزمین ما) خوانده‌اند.

دانش اروپایی همچنان در انتظار ترجمه کامل متن ادیسی بود، تا به نیمه قرن نوزدهم میلادی ترجمه فرانسه در دو جلد (۱۸۳۶-۱۸۴۰م.) به وسیله ژوبر (۱۷۷۹-۱۸۴۷م.) انتشار یافت. وی از دانشورانی بود که در حمله ناپلئون به مصر شرکت داشت. این ترجمه از روی نسخه پاریس صورت گرفت. اما خطاهایی داشت که دوزی و دخویه خطاهای آن را به طور مفصل شرح داده‌اند.

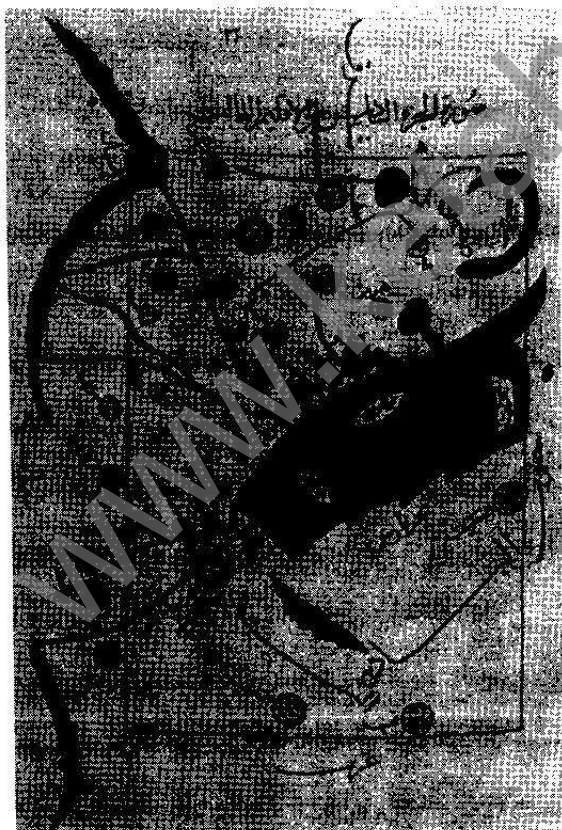
اگرچه کتاب نزهه‌المشتاق ادریسی از آثار تصنع به دور نیست، اما از ترتیب ساده‌ای دارد؛ نخست وصف مختصری از زمین به دست می‌دهد و آن را به شکل کره‌ای تصور می‌کند که طول محیط آن بیست و دو هزار و نهصد میل است و چون زرده تخم مرغ در دل فضا معلق است. پس از گزارشی کوتاه از اقلیم‌ها و دریاها و خلیج‌ها، از سطح زمین به تفصیل سخن می‌گوید. در این قسمت، از مکتب بطلمیوس که زمین را به هفت اقلیم تقسیم کرده پیروی می‌کند که هر یک از گزارش‌ها با نقشه‌ای همراه است که اگر هفتاد نقشه کوچک را به هم پیوندیم، یک نقشه بزرگ جهان به صورت مستطیل پدید می‌آید.

قسمتی که خاص افریقای شمالی، اسپانیا، سیسیل، و نواحی ایتالیاست، از همه مهمتر است، زیرا به خلاف قسمتهای دیگر، بنای آن بر مشاهدات شخصی مؤلف است. گزارش اروپای غربی (فرانسه، آلمان، اسکاتلند، ایرلند، و سواحل دریای شمال) نمودار قدرت و مهارت علمی آن روزگار است. حدود اطلاعات ادریسی از شمال به قلمرو بالتیک رسیده و از سکوتونا (سقوطون) و فینمارک و تاوستانلند (طبست) خبر دارد. گزارش آلمان و لهستان و روسیه کمتر دقیق است، ولی اطلاعات قابل ملاحظه‌ای دارد. گفت و گو از رومانی و بقیه شبه جزیره بالکان مفصل‌تر است؛ شاید حمله‌های صلیبی که از سال ۱۰۶۴ م. شروع شده بود و نیز به سبب روابط بازرگانی میان غرب فرنگی - رومی، و شرق یونانی - صقلابی که رو به توسعه داشت. •

درباره خاور دور بر بطلمیوس تکیه دارد و گزارشی که از بلاد هند به دست می‌دهد غالباً از جیهانی است. از مؤلفان اروپایی فقط از بطلمیوس و اوروسیوس (هروشش) نام می‌برد. از جغرافی دانان دوره اسلامی که نامشان ذکر شد در مقدمه نام برده و از آثار آنان نیز استفاده نموده است. از برخی از این مؤلفین اثری هنوز به

دست ما نرسیده، که از آن جمله اسحاق بن منجم و چاناک بن خاقان کیماکی است. (نک: تاریخ نوشته های جغرافی در جهان اسلام، صص ۲۲۳-۲۳۲)

ادریسی نیز چون غالب دانشوران عصر خود، مؤلفی ذوفنون بوده و از مدت ها پیش اشعاری نیز از او به دست آمده است. سپس در یکی از کتابخانه های استانبول قسمت اول یک رساله او درباره داروسازی به دست آمد که در مقدمه آن از سیصد و شصت گیاه نام می برد و پیوسته می گوشت تا نام گیاهان را از زبان های مختلف بیاورد.



تصویر خلیج فارس در انس المہج، نسخه مجلس، ش ۶۷۱۰

کراچکوفسکی گزارش می‌دهد که از مدت‌ها پیش معلوم شده که ادریسی در زمینه جغرافیا کتاب دیگری به نام *روض الانس و نزه النفس* دارد که برای گیوم اول (۱۱۵۴-۱۱۶۶ ق.)، فرزند و جانشین روزه، تألیف کرده است. به جز عنوان، پاره‌ای از قطعات این کتاب را می‌شناسیم که ابوالفدا به قرن چهارم نقل کرده و از آن به عنوان کتاب *المسالك والممالك* نام برده است. چندی پیش نسخه‌ای از آن در استانبول به دست آمد با عنوان *روض الفرج و نزه المهج* که ظاهراً قسمتی از این کتاب است و هفتاد و سه قطعه نقشه دارد و تاریخ آن به سال ۵۵۸ هـ.ق. مربوط می‌شود. این کتاب در محافل علمی به عنوان *ادریسی کوچک* (*الادریسی الصغير*) معروف شده تا با *نزه المشتاق* (*الادریسی الكبير*) او اشتباه نشود.

چنان که ادریسی در مقدمه این کتاب گفته، هدف از تألیف این کتاب به دست دادن خلاصه‌ای از آرای جغرافیایی خود است و دوباره در مقدمه از آن دوازده کتابی که در مقدمه *نزه المشتاق* یاد کرده است، به عنوان منابع خود نام می‌برد. به علاوه، همه آن‌چه در غرب دیده یا از جهانگردان شنیده می‌آورد و از امکاناتی که ملک روزه برای تألیف کتاب بزرگتر او فراهم آورده بود، استفاده می‌کند. بخصوص در مورد اخبار بلاد روم همچون *المان*، فرانسه، پرووانس، گاسکونی، بریتانیا، نورماندی، آکویلیا، توسکانی، لومباردی، ونیز، مجارستان، روس، قپچاق، و کیماک؛ و گوید: «همه این بلاد را به دقت وصف کردم و در صورت لزوم به تفصیل سخن آوردم».

بعضی عقیده دارند که این کتاب خلاصه‌ای از کتاب مفصل اوست؛ اما چنان که گفتیم، ادریسی ملاحظات تازه خود را در این کتاب پیاده کرده، ولو آن‌که فشرده مطالب *نزه المشتاق* را نیز در آن جای داده است. شاید بتوان گفت که این کتاب تکمله و در عین حال خلاصه‌ای ترتیب یافته بر مبنای کتاب عمده اوست.

بنابراین قضیه رابطه میان این دو کتاب ادربی همچنان به جا خواهد ماند؛ زیرا بحق موضوعی پیچیده است. جالب توجه آن که کتاب ادربی کوچک، اقلیم هشتمی نیز دارد که به هفت اقلیم اضافه شده و آن خط استواست و وصف آن نیز در جای جای کتاب آمده است.

البته ناگفته نماند که چنان که دیدیم در نام کتاب نیز در منابع و نسخه‌های مختلف اختلاف وجود دارد. اما در نسخه ما که به گنجینه پرغیمت کتابخانه مجلس شورای اسلامی تعلق دارد، در مقدمه به نام کتاب تصریح شده و نام آن به صورت *انس المهج و روض الفرج* آمده، اما در خود این نسخه در صفحه عنوان که افزوده کاتب است باز اختلافی در نام کتاب دیده می‌شود و آن به جای کلمه «روض»، «حدایق» آمده است.

نسخه حاضر:

ادربی را پیش از آن که یک پزشک یا گیاه شناس بشناسیم، به عنوان یک جغرافیدان معروف مطرح است. اما وی غیر از دو کتاب مهم فوق الذکر در جغرافیا، کتاب دیگری در گیاه شناسی و داروشناسی دارد با عنوان *الجامع لصفات اشبات النبات و ضروب انواع المفردات من الاشجار و الاثمار و الحشائش* (در دو جلد) که گویا همان کتابی است که ابن ابی اصیبعه با عنوان کتاب *الادویه المفردة* از آن یاد کرده است. نسخه‌ای از تحریر کامل و مفصل آن، به شماره ۱۴۲۲ (از مجموعه سنای سابق) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که در سال ۱۳۸۲ ق. به خط نسخ محمد بن کامل الکیرانی المتطبب در مراغه کتابت شده و مربوط به مکتب علمی مراغه در دوره ایلخانی است (نسخه حاضر).

این اثر در واقع یک موسوعه یا به اصطلاح قرابادین در شناخت داروهای مفرده است که به ترتیب الفبایی نگاشته شده و شالوده دانش داروشناسی تا سده ششم هجری است.

در این نسخه یادداشت تملک احمد بن شمس الدین محمد علوی سمنانی در برگ آخر، به همراه ترقیمه کاتب و مهر بیضوی وی به چشم می خورد. در برگ اول نیز چندین یادداشت و شعر، با مهر مربع به سجع «الواثق بالله الحسیب محمدرضا الطیب» دیده می شود.

نسخه‌ای از تحریر مختصرتر این اثر نیز به شماره ۳۶۱۰ در مجموعه فاتیح در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می شود. این دو نسخه را فؤاد سزگین در سه جلد (به شماره‌های ۵۸/۱ تا ۵۸/۳) در ضمن مجموعه چاپ عکسی میراث اسلامی از سلسله انتشارات «معهد تاریخ العلوم العربیه والاسلامیه» در فرانکفورت آلمان منتشر کرده است.

نسخه حاضر، از این لحاظ که جزو معدود نسخ موجود از این اثر و ماملترین آنهاست، و نیز از جهتی که در مکتب علمی مراغه کتابت شده، و تنها کتاب پزشکی ادریسی محسوب می شود که به دست ما رسیده، قابل تأمل و توجه است. تصحیح متن و ترجمه این اثر به زبان فارسی، در پیشبرد دانش گیاه پزشکی و تاریخ علوم دوره اسلامی بسیار مهم و لازم است.

منابع مقدمه

- انس المهج و روض الفرج، ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادريسي، نسخه كتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۶۷۱۰، كتابت سده ۱۱ ق.
- تاريخچه جغرافيا در تمدن اسلامي، فرانتس تشنر و مقبول احمد، ترجمه دكتر گنجي و عبدالحسين آذرننگ، تهران، بنياد دائره المعارف اسلامي، ۱۳۷۵.
- تاريخ نوشته هاي جغرافيايي در جهان اسلام، ايگناني يوليانوويچ كراچكوفسكس، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، انتشارات علمي و فرهنگي، ۱۳۸۴.
- فهرست نسخه هاي خطي كتابخانه مجلس شورای اسلامي، جلد ۲۰، تأليف سيد جعفر حسيني اشكوري، تهران، كتابخانه مجلس، ۱۳۸۹.
- مقاله «آموزش جغرافيا»، جواد صفي نژاد، مجله رشد، ۱۳۷۷.
- مقدمه اي بر تاريخ علم جغرافيا، دكتر حسن بيك محمدي، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
- مقدمه اي بر تاريخ علم جغرافيا، زهره فني، تهران، امير كبير، ۱۳۸۱.